

**A comparative study of the criminal policy of contemporary Iran and England in the spiritual agent of drug-related crimes**

Nasraleh Khayat<sup>1</sup>

Received: 26 May 2023

Amirhossein Rahgoshah<sup>2</sup>

Reception: 31 July 2023

Alireza Salehi<sup>3</sup>

Abstract

One of the factors that increase drug trafficking in Iran is the proximity of the country's borders with production and trafficking centers. As dealing with this matter, it is necessary to present a coherent plan and apply criminal policies in harmony with executive operations. Iran's perspective and legal criminal policy against narcotics, in contrast to England's criminal policy, is based on repression and punishment-oriented and punishing with the intensification of disproportionate punishments and lacks a corrective and preventive attitude. While in English law, this policy is lenient and the maximum punishments in the laws of this country are life imprisonment only in exceptional cases and there is no mention of corporal punishment. This research is descriptive-analytical with the aim of explaining the legal and operational criminal policy of Iran and England in the spiritual agent of drug crime. The findings of this research, in accordance with the English legal system, indicate that in the criminal policy of Iran and England, in relation to the spiritual agent, although the term spiritual agent is not explicitly used, and in terms of the jurisdiction and specialization of the investigating courts and the amount of punishment and There are similarities and differences in the type of punishment, and in terms of preventive measures, both systems emphasize resorting to criminal mechanisms, and non-criminal reactions are sometimes observed in a case-by-case and ineffective manner, which are mostly outside the mission of the judicial system.

Keyword: prevention, drug crimes, prosecution, criminal policy, spiritual agent, British criminal system, Iranian criminal system

---

<sup>1</sup> PhD student in criminal law and criminology, Shiraz branch, Islamic Azad University, Shiraz

<sup>2</sup>Assistant Professor, Shiraz Faculty of Law, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (corresponding author)

<sup>3</sup>Assistant Professor of Law Faculty, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

## مطالعه تطبیقی سیاست کیفری ایران معاصر و انگلستان در فاعل معنوی جرائم مربوط به مواد مخدر

نصراله خیاط<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

امیرحسین رهگشا<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

علیرضا صالحی<sup>۳</sup>

## چکیده

از عوامل افزایش قاچاق مواد مخدر در ایران هم‌جواری در مرزهای کشور با مراکز تولید و قاچاق، این پدیده می‌باشد. به صورتی که برخورد با این امر، لازمه ارائه طرح منسجم و بکارگیری سیاست‌های جنایی هماهنگ با عملیات اجرایی می‌باشد. دیدگاه و سیاست جنایی تقنینی ایران در برابر مواد مخدر بر خلاف سیاست کیفری انگلستان دایر بر سرکوب و کیفر محور و سزادهنده توأم با تشدید مجازات‌های نامتناسب و فاقد نگرش اصلاحی و پیشگیرانه است. در حالی که در حقوق انگلستان این سیاست تخفیف‌آمیز بوده و حداکثر مجازات‌ها در قوانین این کشور تنها در موارد استثنایی حبس ابد بوده و صحبتی از مجازات‌های بدنی نیست. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با هدف تبیین سیاست جنایی تقنینی و عملیاتی ایران و انگلستان در فاعل معنوی جرم مواد مخدر است. یافته‌های این تحقیق در مطابقت با نظام حقوقی انگلستان حکایت از آن دارد که در سیاست کیفری ایران و انگلستان در ارتباط با فاعل معنوی هرچند به صراحت از اصطلاح فاعل معنوی استعمال نشده و از حیث صلاحیت و اختصاصی کردن دادگاه‌های رسیدگی‌کننده و میزان مجازات و نوع مجازات تشابه و تمایزی به شرح معنونه وجود دارد و از حیث اقدامات پیشگیرانه تأکید هر دو نظام بر توسل به مکانیسم‌های کیفری است و واکنش‌های غیر کیفری نیز به صورت موردی و ناکارآمد بعضاً مشاهده می‌شود که عمدتاً نیز از رسالت دستگاه‌های قضایی خارج نموده‌اند.

کلید واژه: پیشگیری، جرائم مواد مخدر، دادرسی، سیاست کیفری، فاعل معنوی، نظام کیفری انگلستان، نظام کیفری ایران

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران [nasrallahkhatay@gmail.com](mailto:nasrallahkhatay@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده حقوق واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) [Lawyer.rah@gmail.com](mailto:Lawyer.rah@gmail.com)

<sup>۳</sup> استادیار دانشکده حقوق واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران [Salehi\\_426@yahoo.com](mailto:Salehi_426@yahoo.com)

## ۱- بیان مساله

اصولا هر رشته مطالعاتی به گونه ای انتخاب شده و برگزیده میشود که از یک سو بیانگر محتوای آن رشته باشد و از سوی دیگر بتواند حدود و قلمرو آن را تبیین نماید حال اینکه سیاست جنایی رشته است که هم از گسترده فراتر از عنوان خود برخوردار است و هم آنکه از نگاه عرصه های متنوع علمی و نیز نظام های مختلف حقوقی قابلیت طرح ارزیابی دارد (نوبهار؛ تقی زاده، ۱۳۹۸، ص ۲۸).

برقراری نظم و امنیت از مهم ترین اهداف هر دولت در جامعه است که بدون تحقق آنها امکان اجرای برنامه های دولت در امور مختلف از جمله اقتصاد و فرهنگ و.... فراهم نخواهد شد. در پرتوی تامین امنیت امکان تحقق ارزش های مورد حمایت دولت در تحقق عدالت و آزادی نیز میسر می شود. در گذشته محور سیاست گذاری های جنایی تعقیب و مجازات بزهکاران بوده و تامین امنیت و نظم را در گروه مجازاتهای سرکوبگر و تنبیهی اشاره نموده اما دگرگونی بزه دیده شناسی کم کم دقت به حقوق بزه دیدگان را از مباحث مهم سیاست گذاریهای جنایی قرار داده است که طیف وسیعی از تدابیر پیشگیرانه و تنبیهی و ترمیمی در رابطه به بزهکاری شامل می شود. (شیری، ۱۳۹۷، ص ۱۷۱)

انگلستان بالاترین سطح وابستگی به مواد مخدر را داراست و از نظر مصرف تفننی مواد مخدر در سطوح بالا بین کشورهای اروپایی است. در حقوق این کشور، قانون سو مصرف مواد مخدر مصوب ۱۹۷۱ که مبنای بحث های حقوقی مربوط به مواد مخدر را تشکیل می دهد، قاچاق مواد مخدر را تعریف نکرده است و تمایزی بین جرایم قاچاق مواد مخدر و غیر از آن قائل نشده است. لکن عقیده بر آن است که واژه ترافیکینگ، واژه وسیعی است که برای توصیف تجارت غیر قانونی مواد مخدر مورد استفاده قرار می گیرد.

در نوعی دسته بندی سیاست جنایی بر اساس محورهای سه گانه آزادی، برابری و قدرت به سه مدل سیاست جنایی لیبرال-دموکراتیک و سیاست جنایی اقتدارگرا و سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر تقسیم شده و از بعد دیگر به سیاست جنایی تقنینی و قضایی و اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم نموده اند. از حیث حقوقی سیاست جنایی در بر گیرنده بررسی کارها و راهکارهای گوناگونی می باشد (صادقی، صابری، ۱۳۹۹، ص ۲۱۱).

## ۲- مفهوم سیاست جنایی مرتبط با مواد مخدر

در مورد مفهوم سیاست جنایی از گذشته تاکنون نقطه نظریات اندیشمندان بسیاری در جوامع غربی و شرقی و نیز در ایران قبل و پس از انقلاب اسلامی بیان شده است که در مواردی از آنها نیازمند تامل و دقت است و پرداختن به نگاه دینی و غیر

دینی به سیاست جنایی و ترسیم جایگاه آن در این دو قلمرو موضوعی است (قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۲). فوئر باخ دانشمند آلمانی قرن نوزدهم از زمره اولین کسانی است که اصطلاح سیاست جنایی را مطرح و در لغت مجموعه اقدامات سرکوبگر و کیفری است (لازرز، ۱۳۹۶، ۳۹۸). البته بعدها دانشمندان دیگری مفهوم و تعاریف جامع تری را مطرح و آن را بسط داده اند. در حقیقت میتوان گفت سیاست جنایی قبل از آنکه یک علم باشد یک فن است که هدفش کشف و شکل دادن عقلایی جهت حل مسائل گوناگون است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ص ۵).

جرم انگاری امکان دارد برابر هدف حمایت از جامعه در مقابل موارد تازه بزهکاری اغلب مرتبط با فناوری های نوین باشد تحت رویکرد سیاست جنایی مدرن سازی و یا اینکه با شناخت حقوق بروز گونه ای جرم انگاری حمایتی و در چهار چوب قوانین موضوعه را تشکیل که در نهایت منجر به ایجاد بزه در قانون میگردد. این سیاست مدرن سازی در ارتباط با صنعتی شدن و ظهور حقوق شرکتها و ظهور در راستای تطهیر درآمدها و سرمایه های ناشی از قاچاق مواد مخدرحتی در عرصه بین المللی صورت می گیرد که بعضا توجه به الحاق کشورهای عضو به این معاهدات منتج به خلق این نوع سیاست جنایی در عرصه حقوق داخلی می گردد (مارتی، ۱۳۹۸، صص ۳۸۵-۳۸۶).

در چارچوب مواد مخدر سیاست جنایی مقنن متأسفانه در پیشگیری و کاهش این نوع جرائم موفق نبوده است و شاهد آن هستیم که سیاستگذاری های کیفری دهه های اخیر حاوی مقرراتی برای ناتوان سازی مرتکبین هستند که طی آن بر گروهی از مرتکبان حبس های طولانی و حتی اعدام بار میشود که بر مبنای سزا دهی قابل توجیه نیستند (پاکنهاد، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷ و ص ۱۲۲).

از نظر اصطلاحی سیاست جنایی مفهومی است که درباره آن از دیرباز تاکنون مباحث گسترده ای به عمل آمده است و گهگاه کار به مجادله انجامیده است. بدیهی است که هر کشوری با توجه به معیارها و آرمان های مورد قبول اکثریت جامعه خویش، یک سیاست جنایی متناسب را در مقابله با بزهکاری اتخاذ می کند یا به عبارتی هر کشوری یک تعریفی از سیاست جنایی به عمل می آورد. سیاست جنایی از پر کاربردترین اصطلاحات و مفاهیم علوم جنایی است.

به بیان دیگر می توان گفت که سیاست جنایی مشارکتی یک سیاست جنایی توأم با مشارکت مردم و به معنای شرکت دادن مردم در پیشگیری از بزهکاری و محاکمه و مجازات محکومین کیفری به صورت مستقل یا همراه با نهادها و مراجع دواتی است. یعنی مشارکت در قانونگذاری و تعیین خط مشی های کلی در فرایندهای قضائی و غیرقضائی و در اجرای محکومیت یعنی مشارکت در سرکوبی و مجازات با هدف بازدارندگی عام بزهکاری و پیشگیری خاص از تکرار جرایم یعنی اصلاح

بزهکار و به ویژه مشارکت فعال در اتخاذ و اعمال اقدام‌های اجتماعی صرفاً پیشگیرانه از ارتکاب جرایم، بیانگر سیاست جنایی توأم با مشارکت مردمی است. (احمدیان راد، ۱۳۹۰، ص ۱۸)

### ۳- آیین دادرسی تطبیقی

بر ابر دسته بندی از جرایم در مقررات انگلستان می بایست بیان نمود که جرایم بر مبنای دادگاهی که به آن رسیدگی می کند طبقه بندی می شوند و آیین دادرسی نقش بسیار موثری در طبقه بندی جرایم دارد در واقع جرایمی که بر اساس کیفر خواست و با حضور هیئت منصفه بررسی می شوند دارای اهمیت بیشتری می باشند و نقض مقررات در ارتباط با آن با اهمیت است و مقررات مهم در این گونه موارد قانونی است که مجازات آن بیشتر بوده است. در حقوق کیفری انگلستان مقرراتی مهم تر است که نظم اجتماعی را حفظ نماید و بنابراین نوعی هماهنگی میان جرایم و قوانین مشاهده می شود. این امر بیشتر نشئت گرفته از ماهیت عرفی حقوق انگلستان است که با اساس حقوق ایران که شکلی از حقوق بر پایه مسائل شرعی است متفاوت است در واقع در قوانین ایران رعایت قوانین شرعی بر نظم اجتماعی مقدم است در حالی که در حقوق انگلستان چنین موضوعی فاقد جایگاه است.

آیین دادرسی کیفری ایران در قبال جرایم قاچاق مواد مخدر بصورت افتراقی می باشد و اثرات این شکل سیاست را در ضرورت رسیدگی به این جرایم در دادگاه انقلاب به عنوان دادگاه کیفری اختصاصی، عدم پذیرش حق تجدید نظر خواهی برای متهم و محدودیت های برخی مکانیسم های ارفاقی همچون تعلیق اجرای مجازات یا تخفیف آن خصوصاً با تصویب تبصره ماده ۴۵ الحاقی دانست. در صورتی که در مقررات انگلستان در مورد آیین دادرسی کیفری نیز سیاست جنایی افتراقی اعمال نمی شود و مانند دیگر جرائم بر اساس میزان مجازات حسب مورد در دادگاههای کیفری رسیدگی می شود و تمامی نهاد های ارفاقی به مشابه هم در تمامی انواع جرائم دیده می شود.

### ۴- وجه افتراق سیاست کیفری ایران و انگلستان در ارتباط با فاعل معنوی

#### جرایم مواد مخدر

#### ۴-۱- تفاوت در منطق و مبنای کیفردهی تقنینی

در ایران نقش سرکوبگرانه مقررات حقوق و کیفر شناسی در مواد مخدر وجود دارد که از راهبکارگیری عکس العمل جامعه برابر مرتکبان جرایم این حیطه هویت می یابد. کیفر شناسی مواد مخدر به خاطر دفاع از منافع عمومی، حفظ ارزش سلامت عمومی، مهار و کم نمودن میزان اعتیاد در جامعه و کنترل نظام اقتصادی در جامعه در قوانین جزایی برای مقابله با مجرمین حوزه مواد مخدر و فساد ناشی از

این گونه جرایم، واکنش های اجتماعی علیه این جرایم را به صورت مجازات یا اقدامات تامینی کاملاً سرکوبگر و رسمی در نظر می گیرد. ( Mcmore , 2011 ). جرایم مواد مخدر دسته خاصی از جرایم ارتكابی در پهنای نظام عدالت کیفری هستند که در بعد شکلی یعنی تشریفات و آیین دادرسی کیفری قواعد و مقررات خاصی را می طلبد و پیشگیری از آنها مستلزم بکارگیری تدابیر و نیروهای مستقل و خاص در چرخه دادگستری رسمی است. از یک منظر این جرایم به لحاظ فنی و تخصصی بودن، ضابطین خاصی را می طلبد. اساساً اهمیت جرایم مواد مخدر و حساسیت افکار عمومی و خسارت حاصل از این جرایم به حدی است که دولتها سعی دارند نهادهای قضایی و دادگاه های کیفری خاص و قضات دوره دیده را برای رسیدگی به این جرایم اختصاص دهند. آگاهی مرتکبین به تخلف و رشته خود به حدی است که نیاز به قاضی حرفه ای وجود دارد و بر همین اساس در بسیاری از کشورها با مراجع خاصی رسیدگی به جرایم مواد مخدر مواجه هستیم. در ایران نیز مقنن دادگاه انقلاب را بعنوان یک مرجع اختصاصی برای رسیدگی به کلیه جرایم مواد مخدر ایجاد کرده و صلاحیت های وسیعی را بدان اعطا نموده است ( کمالی پورو شاملو، پیشین، ص ۴۰۰ ).

#### ۴-۲- تفاوت در سطح قطعیت و حتمیت مجازاتها و مقررات مواد مخدر

در سیستم قضایی ایران به رغم استفاده بی ضابطه و بی رویه از نهادهای عفو و تخفیف مجازات و عدم تمایل بسیاری از قضات به اجرای مجازات های شدید و حتی محدود سازی دامنه اصدار احکام اعدام طی اصلاحات سال ۱۳۹۶، کماکان مبنای عمل مقنن و سیاست بارز کیفری شناسی مواد مخدر در ایران مبتنی بر گرایش به صدور آرا سنگین می باشد که تجدید نظر در آن بطور تاریخی یا ممتنع و یا بسیار محدود بوده است. اما این در حالی است که در حقوق و کیفر شناسی انگلستان با وجود مقرراتی نظیر ماده ۳ قانون نظم و امنیت شهری مصوب ۲۰۰۸ پاسخ به جرایم قاچاقچیان مواد مخدر و عرضه کنندگان خرده پای آن در سراسر بریتانیا تابع اصول برخورد انصافی و متناسب با توقعات و تشنج در افکار عمومی است. سخت ترین مجازات هم باید قابل تجدید نظر باشد و جواز و حق دسترسی به آن صریحاً در رای بدوی دادگاه های جنایی و سلطنتی مورد تنفیذ و اشاره قرار گیرد ( Samoel, 2013 ).

#### ۴-۳- تفاوت در سطح اختیارات قضات در صدور حکم

در حقوق انکلیس وفق ماده ۲۷ قانون جرایم و مجازات های مواد مخدر اصلاحی سال ۲۰۰۴ قضات محاکم اختیار دارند در برخی موارد اساساً از صدور حکم محکومیت به مجازات های تعریف شده در قانون عدول نموده و مثلاً یک مجرم خرده پای مواد مخدر را به جای مجازات حبس، به کارگاه های کشاورزی و کارآموزی اعزام نمایند ( Albert, 2017 ).

این یعنی سیاست کیفری قضایی انگلیس بر خلاف ایران در همه جهات تابع سیاست کیفری تقنینی نیست. در حقوق کیفری ایران قضات دادگاه های انقلاب کوچکترین اختیاری برای تبدیل مجازات های قانونی مواد مخدر و یا حکم به کیفری تعریف نشده در قانون ندارند (Jeferson, 2006). در واقع در ایران کیفر شناسی و سیاست کیفری تقنینی دایر بر سرکوب، تشدید مجازات و تعیین مجازات های نامتناسب در جرایم مواد مخدر است که با وجود آنکه مورد پذیرش و اقبال سیاست جنایی قضایی قرار نگرفته است، اما قضات چاره ای جز تبعیت از آن ندارند. البته این قاعده ای جبری در سراسر حقوق کیفری ایران بوده و اختصاص به مواد مخدر ندارد، اما نمی توان نادیده انگاشت که عمق محدودیت های اختیارات قضایی در حوزه جرایم مواد مخدر بسیار افزون تر جلوه می کند (کمالی پور و شاملو، پیشین).

#### ۵-وجه تشابه سیاست کیفری ایران و انگلستان در ارتباط با فاعل معنوی جرایم مواد مخدر

تنها حوزه ای که نشان از مشابهت رویکرد سیاست میفری ایران و انگلیس در حوزه مقابله با جرایم مواد مخدر و روانگردان دارد، استفاده از کیفرهای کلاسیک برای پیشگیری از این جرایم و اعمال واکنش نسبت به مرتکب است. یعنی در هر دو نظام حقوقی وسیعا از مجازات هایی همچون حبس و جزای نقدی استفاده شده است، اما تفاوت اینجاست که در سیاست کیفری انگلیس امکان استفاده از کیفرهای اجتماعی و غیر سرکوبگر در قابل برخی از جرایم خرد مواد مخدر وجود دارد، در حالی که در حقوق ایران عملا چنین امکانی وجود ندارد و کوچکترین فعالیت مجرمانه مرتبط با مواد مخدر با کیفر دهی شدید از مقنن و تبعات قضات مواجه می شود. لذا این قابل انکار نیست که سیاست کیفری انگلیس هم در قبال جرایم مواد مخدر نظر مثبتی نسبت به نظام مجازات های رسمی دارد، اما در این کشور تلقی از مجازات همانند تلقی از مجازات های رسمی ایران نیست. در اغلب محاکم انگلیسی مشاهده می شود که قضات با جرح و تعدیل کیفرهای رسمی سعی در متناسب سازی هر چه بیشتر الگوی مجازات های رسمی با سطح مسئولیت و مجرمیت مرتکب دارند (James, 2016).

#### ۶-سیاست پیشگیری نسبت به جرائم مواد مخدر در ارتباط با فاعل معنوی ایران و انگلستان

۶-۱- واکنش پیشگیرانه کیفری مرتبط با جرائم مواد مخدر توسط فاعل معنوی مفهوم «پیشگیری» در سیاست جنایی شامل شیوه ها و تدابیر مختلفی است که برای جلوگیری از بزهکاری بکار می رود. در این نوع از پیشگیری نظام حاکم با استفاده

از تدابیر واکنشی (کیفری) و کنشی (غیر کیفری) سعی در محدود کردن و مهار بزهکاری و بزه دیدگی دارد. در پیشگیری کیفری، مجازات سهم حداکثری در جلوگیری از بزهکاری دارد. در مقابل آنچه امروزه از سوی دولت‌ها در موضوع پیشگیری از بزه مورد توجه قرار می‌گیرد استفاده حداقلی از ابزار کیفری و بکارگیری تدابیر پیشگیرانه غیر کیفری می‌باشد که از آن با عنوان «پیشگیری وضعی» یاد می‌شود. در این نوع پیشگیری محور اصلی تغییر در «وضعیت فرد» یا «محیط» است که از این طریق امکان ارتکاب بزه را غیرممکن یا دشوار نماید. در سیاست جنایی اسلام کیفر نقش فرعی داشته و در استفاده از روش‌های غیر کیفری تأکید شده است (علوی، ۱۴۰۰)

پیشگیری وضعی از جرم، به عنوان یک نظریه علمی، اصالتاً تأسیسی انگلیسی است که توسط سه نفر به نام‌های کلارک، میهبو و کرینش مطرح شد و توسعه یافته است.

از پیشگیری وضعی، تعریف‌ها و برداشت‌های گوناگونی ارائه شده است. ژرژ پیکا پیشگیری وضعی را اقدام به محدود کردن فرصت‌های ارتکاب جرم یا مشکل‌تر کردن تحقق این فرصت برای مجرمین بالقوه می‌داند. در نگاهی دیگر، پیشگیری وضعی، مجموعه اقدام‌ها و تدابیری تلقی شده است که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم و مهار آن متمایل است که از یک سو، با کاهش وضعیت‌های پیش‌جنایی یا وضعیت‌های قبل از بزهکاری که وقوع جرم را مساعد می‌کنند صورت می‌گیرد، و از سوی دیگر، با افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهکاران بالقوه، همراه است. در واقع هدف از پیشگیری وضعی ایجاد وقفه در گذار از اندیشه مجرمانه به عمل است. در پیشگیری وضعی تلاش بر آن است که محیط به گونه‌ای تغییر یابد تا از ارتکاب جرم در آینده جلوگیری شود. این هدف با کاهش ارتکاب جرم و افزایش احتمال دستگیری مجرم تحقق می‌یابد. عده‌ای از جرم‌شناسان پیشگیری وضعی را این گونه تعریف کرده‌اند که اقدام پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی است که جرائم ممکن در آن وضع به وقوع بپیوندد و هدف آن اتخاذ ترتیبی است که بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن گرداند چرا که از نظر طرفداران پیشگیری وضعی، انسان موجودی حسابگر است و سود و زیان عملش را می‌سنجد. برای رسیدن به این هدف روش‌های پیشگیری وضعی در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند:

۱. روش‌هایی که کوشش و تلاش برای ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد ۲. فنونی که ارتکاب جرم را پر خطر می‌کند ۳. وسایلی که جذابیت موضوع جرم را کاهش می‌دهد. جرم‌شناسان، پیشگیری وضعی از جرم را به عنوان اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم می‌دانند برخی معتقدند پیشگیری وضعی یعنی اقدامات غیر کیفری که معادله جرم را به هم می‌زند و هزینه انجام بزه را بالا می‌برد به نحوی که

بزهکار بالقوه از ارتکاب جرم صرف نظر کند. در پیشگیری وضعی، بحث بر سر فرصت‌های ارتکاب جرم است که عامل ارتکاب جرم می‌شوند. (نجفی، پیشین، ص ۱۱۱) لذا به موجب این نظریه، با گرفتن فرصت‌ها می‌توان از وقوع جرم توسط افراد جلوگیری کرد. این اقدامات از طریق مدیریت یا مداخله در محیط بلاواسطه با شیوه‌ای حساب شده و هدف‌مند منجر به کاهش فرصت‌های جرم و افزایش خطرات ارتکاب جرم که همواره مدنظر تعداد زیادی از مجرمین بوده است می‌گردد و در ضمن معطوف به اشکال خاصی از جرایم می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت که پیشگیری وضعی از جرم عنوان نوینی است بر آنچه پلیس و دستگاه قضایی و یا عامه آن را پیشگیری از جرم می‌نامند. یکی از مهمترین ویژگی این نوع پیشگیری آن است که این نوع پیشگیری نظرات را از جانب مجرم به جانب محیط جلب می‌نماید.

#### ۶-۲- سیاست جنایی تقنینی مرتبط با پیشگیری کیفری در ایران

سیاست جنایی تقنینی مناسب، اقتضاء میکند که ضمانت اجرا با واقعیت‌های جامعه، جرائم ارتكابی و شخصیت بزهکار و میزان لطمه‌ای که به اجتماع وارد شده هماهنگ و سازگار باشد. در مورد جرائم مواد مخدر قانونگذار در طول سالهای گذشته ضمن بی‌توجهی به مدل‌های پیشگیری و مبارزه غیرکیفری، همواره با استقبال از ضیافت کیفردهی حداکثری و سرکوبگر و بی‌توجهی به وجدان آگاه یا ناگاه است (ساکي، کونانی، ۱۳۹۸، ص ۹۷).

سیاست جنایی تقنینی لایه اولیه و رویین سیاست جنایی یک کشور را تشکیل می‌دهد. در ایران با توجه به مقررات جرایم مواد مخدر میتوان گفت متولی و مرجع اصلی سیاست‌گذاری در این خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی فعلی در مورد جرایم مواد مخدر به استثنای پدیده اعتیاد عمدتاً مبتنی بر شدت مجازات‌ها نظیر اعدام، حبس ابد و دادرسی افتراقی غیرعادلانه میباشد. قانونگذار خواسته یا ناخواسته با وضع مجازات‌های سنگین و شدید، سیاست جنایی تسامح صفر یا بدون تسامح را در پیش گرفته است ولی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اهداف مورد انتظار حاصل نگردیده است (غلامی رزینی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۹۳).

بنابراین سیاست جنایی قانونگذار از یک طرف حمایت از بزه‌دیدگی خانواده مرتکب و از طرف دیگر حمایت از بازتوانی و بازگشت مرتکب به زندگی اجتماعی بوده است. به عبارت دیگر مصادره اموال ناشی از جرم علاوه بر اعمال مجازات اصلی، از نظر روابط فرعی ناشی از پاسخ‌ها در سیاست جنایی، نوعی رابطه طولی (مکمل) می‌باشد یعنی مصادره اموال ناشی از جرم مکمل مجازات اصلی است.

سیاست کیفری قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازاتها و عدم تناسب آنهاست به نحوی که در تعیین مجازاتها به میزان قبح اجتماعی عمل، کرامت انسانی، موازین حقوق بشری و اصل عدالت که از معیارهای تناسب تلقی می‌شوند توجه کافی ننموده است. وضع مجازاتهای اعدام و حبس‌های طولی‌المدت برای خیلی از این جرایم، حکایت از سیاست سرکوب و طرد مرتکبین آنها بدون توجه به تناسب واهداف مجازاتها بالاخص اثر بازدارندگی آن میکند.

در واقع ناتوان‌سازی یا سلب توان بزهکاری عمدتاً بر این استدلال مبتنی است که هدف ارضایی یا اصلاحی مجازات در مورد برخی مجرم‌ها کارساز نیست. در واقع هدف از سلب حقوق و توانایی فرد بزهکار، به عنوان یک اهرم کیفری تضمین این امر است که با خارج از دور کردن مجرم، دیگر مرتکب جرم نشود (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵).

مجازات اعدام را می‌توان یکی از مصادیق بارز ناتوان‌سازی دانست. با این حال نظریه ناتوان‌سازی با دو انتقاد اساسی مبتنی بر عدم هماهنگی آن با فایده‌گرایی و مخالفت با موازین عدالت مواجه می‌باشد (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

سیاست کیفری ایران در برخورد با قاچاق مواد مخدر، عملاً بیشتر معطوف به برخورد با افراد حاشیه‌ای بوده است و افراد اصلی در معرض تعقیب نبوده‌اند عدم دسترسی به افراد اصلی، به علت سازمان یافته بودن جرم قاچاق مواد مخدر است عاملان اصلی برای قاچاق از دور برنامه ریزی می‌کنند و افراد ضعیف و آسیب پذیر را وارد میدان می‌کنند بنابراین شرایط مبارزه با مواد مخدر عملاً به مبارزه با لایه‌های پایین سازمان قاچاق مواد مخدر محدود می‌شود. (رحمدل، ۱۳۸۶، ص ۸۳)

#### ۶-۲-۱- سخت‌گیری هدفمندانه و توسعه دامنه جرائم مستوجب اعدام

بررسی تاریخ تحولات قوانین مربوط به کنترل و مبارزه با مواد مخدر در حقوق ایران نشان می‌دهد که ظاهراً در هیچ دوره‌ای سیاست جنایی تقنینی سنجیده و مطلوبی در دست نبوده و اصلاح و تغییر مکرر قوانین مربوط به این حوزه، در پی دستیابی به یک سیاست جنایی کارآمد انجام می‌شده است. قانون‌گذار ایرانی در آخرین اصلاحیه، با الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر تحت عنوان ماده ۴۵ الحاقی، در راستای تعدیل پاسخ واکنشی نسبت به جرایم مستوجب اعدام گام برداشته است که به نظر می‌رسد مذاقه در متن ماده واحده، خلاف این امر را اثبات می‌کند. در آخرین اصلاحیه قانون‌گذار در مفاد قانون سابق در حوزه جرایم و مجازاتها، ۱۲ نوع اعدام در بندها و مفاد مختلف تعریف شده بود که در قانون الحاقی جدید و تحت عنوان ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر، اعدام مشروط به موارد بندهای الف، ب، پ و ت شده است. برخی حقوقدانان، این قانون را کاهش

مجازات قلمداد نکرده اند، بلکه نوع اصلاح کلی قانون می دانند. لذا این اختلافات میان آنها وجود دارد که از زمان لازم الاجرا شدن این قانون آیا قضاات صادر کننده رای مجدداً باید رسیدگی ماهوی به این پرونده ها داشته باشند یا اینکه تنها به اصلاح حکم منتهی خواهد شد (موسوی مجاب و دیگران، پیشین).

کیفر جرائم مواد مخدر از جمله مقولاتی است که در آن مبنای بازدارندگی مجازات ها به طور ملموس مشاهده میشود. در واقع، متولیان نظام عدالت کیفری با اتکا بر حساسگری کیفری بزهکاران مواد افزایش شدت مجازات ها را به عنوان پاسخی مناسب برای این بزهکاران معرفی کردند تا هم بزهکاران از گردونه عرضه و تقاضا حذف گردند و هم بزهکاران بالقوه از ورود به بازار به عنوان گزینه ای ضرررسان اجتناب کنند. به همین جهت، نظریه انتخاب عقلایی یا خوانش اقتصادی آن به نام مطلوبیت مورد انتظار، به الگوی برگزیده جهت کیفررسانی بزهکاران مواد مخدر تبدیل گشت. بر این اساس، اختصاص بودجه های فراوان برای تأمین لوازم بازدارندگی مجازات ها همچون افزایش شمار بازداشت شدگان، تعیین مجازات های طولانی، تأمین زندان ها و اقامت طولانی مدت در آن، برآیند وجود چنین نگرشی در نظام عدالت کیفری است (میر، احمدزاده، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰).

#### ۶-۲-۲- تمرکز تعیین کیفر بر پایه میزان مواد در پرتوی نظریه بازدارندگی

اندیشه کهن عبرت آموزی از زبان فیلسوفانی همچون بکاریا و بنتام به عنوان خصیصه بازدارندگی مجازاتها تعبیر و در گفتمان کیفری معمول گردیده است. این توجیه فایده گرایانه از رهگذر سه ویژگی شدت، حتمیت و سرعت، قابلیت بازدارندگی اشخاص و مرعوب ساختن آنها را برای پرهیز از بزهکاری یادآور شده است.

حمایت های نظری اندیشمندان از این سنت کیفری، موجبات الگوبرداری گسترده از آن را در نظامهای تقنینی گوناگون و جرائم مختلف فراهم کرده که بر پایه آن نمایش چهره قاطع، شدید و سریع کیفر، با بی میل ساختن کنشگران نسبت به ارتکاب بزه، آنان را به شهروندانی مطیع قانون تبدیل می سازد.

پذیرش این سنت کیفری نیازمند درک مقدماتی است که در چارچوب تجزیه و تحلیل منشأ کنش های انسانی میگنجد. حکومت اصالت لذت بر تصمیمات و کنش های انسانی، آنان را موجوداتی محاسبه گر و عقلانی توصیف میکند که پیوسته به دنبال تحقق آمال و آرزوهای منفعت طلبانه خویش هستند. سیطره عقلانیت ابزاری بر تمامی فعالیت های مشروع و نامشروع انسانی مقتضی آن است تا کارگزاران کیفری جهت

بازداشتن تابعین کیفری، ضررهای حاصل از رفتار بزهکارانه را بیش از سود آن جلوه دهند. این امر موجب میشود تا انسان اقتصادی هراس از مجازاتهای شدید،

سریع و حتمی را به سود احتمالی جرم ترجیح داده، از ارتکاب جرم دوری گزینند) نجفی ابرندآبادی، پیشین، ص ۱۲۷۹).

در نظام تقنینی ایران، کیفرهای جرائم مواد مخدر از حیث تناسب ترتیبی در مقایسه با برخی جرائم همانند سرقت سختگیرانه تر به نظر میرسد. تناسب ترتیبی به این معنا است که برای شدیدترین جرائم باید شدیدترین کیفرها تعیین شده باشد و از این جهت بین جرائم مختلف در یک نظام عدالت کیفری باید هماهنگی و توازن برقرار است (Von Hirsch, 1992, p. 79).

از این منظر، مجازات جرایم مواد مخدر عموماً تناسبی با مجازات بسیاری از بزه ها ندارد. برای نمونه، مجازات حمل ۵ گرم هرویین از مجازات سرقت ساده بیشتر است. از سوی دیگر، میزان کیفرها در جرائم مواد مخدر براساس انواع رفتارهای بزهکارانه و تکیه بر میزان مواد است، حال آنکه در انواع مختلف سرقت میزان و ارزش اموال مسروقه ملاک تعیین کیفر قرار نگرفته، بلکه به جای آن ویژگیهای مختلف مانند تعداد مرتکبان، وجود آزار و اذیت و ... در تعیین میزان مجازات تأثیرگذار است.

جدا از این برای تعیین شدت مجازات در جرایم مواد مخدر عموماً از دو معیار استفاده می شود. نخست معیار آسیب شناسی از جرم که بر اساس آن، کیفر باید بر اساس میزان آسیبی باشد که از جرم ایجاد می شود. در جرایم مواد مخدر میزان این آسیب بر اساس میزان و کمیت مواد برآورد می شود (Von Hirsch, 1996, p:131).

یعنی هر چه میزان مواد بیشتر باشد، جرم شدیدتر و به موازات آن مجازات شدیدتر می شود. نظام تقنینی ایران این موضوع به طور خاص در مواد ۴، ۵ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر دیده می شود. چنانچه در بندهای این ماده ها بر حسب میزان مواد، بر شدت مجازات قانونی افزوده میشود. این رویکرد به طور خاص در تفکیک میان مواد مخدر صنعتی و طبیعی، و ناهمسازی مجازاتهای مرتبط با مقدار این نوع مواد ملاحظه میگردد؛ به طوری که در مواد مخدر صنعتی به جهت امکان آسیب بیشتر، مقدار کمتری برای مجازاتهای شدید مورد نیاز است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۸۸).

دومین شاخصی که برای تعیین شدت جرم به کار میرود، تقصیر است. تقصیر به معنای سطح سرزنش پذیری و پاسخگویی بزهکار در برابر آسیبی است که ایجاد کرده است. از این حیث چگونگی نقش فرد در ارتکاب جرم و انگیزه های جرم گاه میزان کیفر را افزایش و گاه کاهش می دهد. (رحمدل، پیشین)

در نظام تقنینی ایران، قانونگذار کسانی که از اشخاص دیگر برای ارتکاب این جرایم استفاده می کنند و به طور کلی رهبری گروه ها و همچنین استفاده کنندگان از سلاح را سرزنش پذیرتر از سایرین دانسته و به همین جهت کیفر شدیدتری

برای آنان در ماده ۱۸ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحی ۱۳۸۹ در نظر گرفته است (صادقی و دیگران، پیشین).

بنابراین، قانونگذار عموماً از ترکیب این دو شاخص برای تعیین طول مدت کیفر حبس یا سایر مجازاتها بهره میبرد. این که اساس تعیین کیفر بر محور میزان مواد باشد و تقصیر بزهکار نقش حاشیه ای در این فرایند داشته باشد، مورد انتقادات برخی از پژوهشگران واقع شده است (caulkins Caulkins, p:109).

### ۶-۲-۳- غفلت قانونگذار از تقنین مجازات عرضه کنندگان اصلی مواد مخدر

به طور کلی، کیفر بزهکار مواد مخدر براساس مقدار موادی که در اختیار دارند و یا برای فروش عرضه میکنند، محاسبه میشود. در واقع، با توجه به میزان مواد نگهداری شده، آسیب بیشتری برای جامعه ایجاد میشود و از سوی دیگر، این امر نشان دهنده میزان اعتماد و جایگاه شخص در شبکه مواد مخدر و همچنین میزان درآمد حاصل از آن برای بزهکار است. وانگهی منطق بین کمیت مواد و شدت مجازات در رابطه با برخی اشخاص رنگ میبازد. دلایان، حاملان مواد و به طور کلی کسانی که مواد را برای فروش توسط دیگری نگه میدارند و در واقع مواد متعلق به خود آنها نیست، از این دسته اند. (Honold, 2014, p:98).

در نظام تقنینی ایران، به نظر میرسد براساس برخی شواهد بزهکاران سطح پایین عموماً کانون توجه مداخله های کیفری قرار گیرند. براساس گزارشهای موجود در ایران افزایش جمعیت زندانیان خرده فروش مواد به مسئله ای نگران کننده برای مقامات عدالت کیفری تبدیل شده است. جامعه از طرفی توسط تولید، توزیع، حمل کنندگان و گاهی از طرف دیگر، مساعدت کنندگان در مخفی نمودن ورهایی مرتکبین این جرم تحت تاثیر میباشد. به همین دلیل قانونگذار در قانون مجازات اسلامی، با مداخله منفی در ادله اثباتی جرم دخالت نماید تحت عنوان "هرکس" علاوه بر مجازات مرتکبین مجرمانه ی مستقلی مورد تعقیب و مجازات قرار میدهد. در قانون مبارزه با مواد مخدر مقرراتی خاص در خصوص مساعدت نمودن به مجرم اصلی این جرایم پیشبینی شده است. ماده ی ۲۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۹ به عنوان قانون خاص، عنصر قانونی این جرم را تشکیل میدهد و در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله ی جرم، صرحتادر ماده ی ۵۵۴ به عنوان قانون عام جرم انگاری شده است. عنصر مادی این جرم، انجام هر فعل یا ترک فعل در موارد مصرح قانونی است، که برای خلاصی مجرم از محاکمه و یا محکومیت صورت میگیرد. شرط لازم در خصوص ارتکاب عنصر مادی این جرم، علم مرتکب به صورت گرفتن جرمی خاص از سوی دیگری است. بنابراین اگر فردی بدون اطلاع از وقوع جرمی از سوی شخصی دیگر، اقدام به مساعدت وی نماید، این عمل، جرم نخواهد بود (مهدوی، جزایری، ۱۴۰۰، ص ۹۷).

### ۳-۶ سیاست جنایی تقنینی مرتبط با پیشگیری کیفری در انگلستان

در مقررات کیفری ایران هم نمی توان از وجود یک کیفر شناسی تخصصی در حیطه مواد مخدر خبر گرفت. این در صورتی می باشد که در مقررات انگلستان شرایط متمایزتر بوده و دیدگاه معین تری در مورد کیفر شناسی مواد مخدر گرفته شده است و بر عکس سیستم حقوق کیفری و کیفر شناسی اختصاصی مواد مخدر در چارچوب سیستم حقوقی انگلیس، ویژگی مشخص کیفر شناسی مواد مخدر و روانگردان در ایران، خوی درهم شکستن و متوسل شدن به کیفرهای شدید مثل حبس ابد و اعدام است. این در صورتی می باشد که در مقررات کیفری انگلیس کیفر اعدام به کلی حذف شده است و موارد توسل به حبس های طولانی نیز کاملا محدود است. در حقوق انگلیس قضات دادگاهها اختیار دارند در بعضی اوقات از صدور رای محکومیت به مجازات های تعریف شده در مقررات عدول نموده و به عنان نمونه یک مجرم خرده پای مواد مخدر را به جای زندانی کردن به کارآموزی و کارگاه های کشاورزی می فرستند.

در انگلستان طبق «قانون عدالت کیفری» (مصوب ۱۹۹۱)، «قانون اختیارات دادگاه کیفری» (مصوب ۲۰۰۰) و «قانون عدالت کیفری» (مصوب ۲۰۰۳)، قاضی مشخص کننده مجازات حین دقت به رویه های موجود و مقررات موضوعه یاد شده در سیستم حقوقی کامن لا به منابع دیگری از قبیل «رهنمودهای الزامی تعیین مجازات» و تصمیمات قضایی در مشخص نمودن مجازات هم دقت لازم می نماید. هم چنین می توان به اصول و مقررات قید شده در هیئت مشورتی تعیین مجازات دقت نمود. ثابت و مشخص بودن مجازات ها میزان صلاحدید قضات را در تعیین مجازات به حداقل می رساند و امکان انعطاف پذیری در تعیین مجازات را سلب می کند اما الزامی نبودن این رهنمودها تا حد زیادی این نقیصه را برطرف کرده است (مهر و ودیکران، پیشین).

همچنین دادگاه ایران بر عکس دادگاه انگلیسی نمی توانند به اصلاح کیفرهای یاد شده جهت جرایم مواد مخدر بپردازند. در دادگستری ایران معمولا آرا دادگاهها در پرونده های مواد مخدر اثر شبه امنیتی گرفته و به راحتی نمی توان آنها را از شمار اختیارات قضایی حذف نمود. در حقوق و کیفر شناسی مواد مخدر در ایران، تمرکز انحصاری بر پیشگیری کیفری وجود دارد و توجهی به سایر الگوهای پیشگیرانه نشده است. این در حالی است که در حقوق کشوری مثل انگلیس به خاطر مقررات نظم و امنیت اصلاحی سال ۲۰۱۲ قضات در مشخص کردن واکنش در خصوص جرم ارتكابی بوسیله متهم باید از توانایی سازمانهای مردمی نیز بهره ببرند و نهادهای عمومی هم موظفند از ارائه خدمات اجتماعی به اشخاصی مثل معتادان یا بازداشت شدگان و محکومان در ارتباط با مواد مخدر پیشگیری نمایند.

#### ۴-۶- سیاست جنایی قضایی مرتبط با پیشگیری

سیاست جنایی قضایی یعنی نحوه درک و دریافت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و شیوه بکارگیری قواعد و مقررات می باشد که از اصل قابل تغییر بودن تشریح مقررات حقوق کیفری متاثر می باشد. نحوه سیاست جنایی مقنن بوسیله قوه قضائیه و هم نحوه بکارگیری و عمل به سیاست جنایی تقنینی بوسیله مراجع قضایی، کالبد سیاست جنایی قضایی را به وجود می آورد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۶).

از این رو در واقعیت اجرا کننده قانون قضات هستند و هر موردی قانون عنوان نماید ناچار می بایست اجرا نمایند، ولی در صادر نمودن حکم قضایی، قدرت دیگری هم مداخله می کند (گودرزی، ۱۳۸۱، ص ۲۷).

تناسب، هماهنگی و همسوئی میان مجازات و جرم از لوازم یک نظام کیفری متعادل است. مبنایی منطقی برای مجازات از اصول اولیه و بنیادین نظام عدالت کیفری و عامل مشروعیت آن است. در نظام کیفری ایران تاکنون لااقل مبانی کلی و فراگیر برای تناسب مجازات با جرم ارتكابی مکتوب نشده است. عدم وجود اصول بنیادی در تعیین کیفر در مرحله تقنین و اجرا از عمده ایرادات یا شاید عمده ترین ایراد نظام کیفری ایران است. گاهی قانونگذار در تعیین مجازات جرمی فاصله بین حداقل و حداکثر آن به ۴۰ برابر رسانده است و دادگاه بدون الزام به توجیهی در بین حداقل و حداکثر آن مختار است هر میزان مجازات تعیین نماید که نوعا تناسبی بین مجازات و جرم دیده نمی شود و این امر اصل تناسب مجازات با جرم را مخدوش خواهد کرد. بنابراین بیان معیار کلی و بنیادین برای رعایت اصل تناسب جرم با مجازات از اصول راهبردی است که باید در نظام کیفری ایران به آن پرداخته شود. (نوبهار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

در مورد کیفرهای ذکر شده در مقررات مبارزه با مواد مخدر، چون مقنن کیفرهای سنگینی وضع کرده است، در عمل اجرای چنین کیفرهایی بسیار مشکل و حتی غیر ممکن می نماید، این است که در عمل، بسیاری از کیفرهای مورد حکم، در دادنامه محکومیتها اجرا نمی شود، و ابزارهایی نظیر عفو که بیشتر به خاطر تراکم زندانهاست، حتمی و قطعی بودن این کیفرها، متزلزل است. از طرفی می دانیم اصلاح، بازسازی و تربیت بزهکاران و پیشگیری از تکرار بزه، علاوه بر اجرای کیفر سلب آزادی یکی از هدفهای اصلی، سازمان زندانهاست، بدیهی است که پرداختن به این امر در مرحله نخست مستلزم داشتن نیروی انسانی متخصص و کارآمد است، و در ثانی نیازمند داشتن امکانات مالی و بودجه، ساختار سازمانی مناسب، امکانات جانبی به منظور تأسیس کارگاههای صنعتی و کشاورزی برای

اصلاح و حرفه‌آموزی و مهم‌تر از همه داشتن فضای ساختمانی و مکان‌های مناسب برای گذراندن مدت حبس می‌باشد، که در حال حاضر سازمان زندان‌های کشور چنین امکاناتی ندارد تا متناسب با آمار کیفری زندان‌ها باشد و این تعداد بسیار بالای زندانی، بار گرانی است بر دوش این سازمان، چه در هر مؤسسه کیفری اعم از زندان‌های بسته، نیمه باز و باز، چندین برابر امکانات و فضاهای استاندارد ساختمانی، زندانی نگهداری می‌شود. بدیهی است که این حجم زندانیان سازمان را از هدف‌های اصلاحی و تربیتی، باز می‌دارد و آن را سازمانی که فقط قادر به نگهداری از زندانیان است و نه اصلاح و تربیت‌کننده آنان تبدیل می‌کند، و به بیانی ساده‌تر، سازمان زندان‌ها با این حجم انبوه زندانی بیشتر انبارداری انسانی، و نگهداری می‌کند نه آن‌که بازپروری، اصلاح و بازسازی، بودجه‌هنگفتی هم که برای نگهداری از زندانیان ناشی از این قانون صرف می‌شود، گسترش اعمال تصدی دولت به جای پرداختن به اعمال حاکمیت، تشکیل سازمانی مثل ستاد مبارزه با مواد مخدر و هزینه کلانی صرف این نهاد می‌شود، و سرانجام هزینه تحقیقاتی که برخی به ظاهر پژوهشگران صرف تحقیق‌های کلیشه‌ای چون علل اعتیاد، علل گرایش به مواد مخدر و علل چند وجه می‌کنند، نیر بماند". (گودرزی، ۱۳۸۲، ص ۲۸)

## ۷- نتیجه گیری

نتایج یافته‌های این تحقیق در مطابقت با نظام حقوقی و قانونگذاری انگلیس در ارتباط با فاعل معنوی یافته‌ها و داده‌های به دست آمده حکایت از آن دارد که در کشور انگلستان علی‌رغم اینکه نظام حقوقی آن مبتنی بر حقوق عرفی و کامن‌لا است اما به مانند کشور ایران مقررات خاصی مرتبط با جرائم مواد مخدر و برابر مقررات ویژه تصویب نموده که با مذاقه در لحوق و ساختار این قوانین به صراحت مصداق یا مصادیقی از فاعل معنوی به عنوان یک شیوه خاص ارتکاب جرم وجود ندارد و به این دلیل است که در نظام قانونگذاری انگلستان هر چند شیوه‌های ارتکاب جرم در قالب یک عنوان کلی مساعدت‌کنندگان در جرم یا همدستی در جرم شامل مباشر اصلی، مجرم اصلی یا شریک در جرم یا معاونت در جرم توصیف نموده و بعضاً طی یک قانون خاص مانند قانون معاونین و شرکا مبادرت به قانونگذاری نموده است اما آنچه که این شیوه را از شیوه‌های کشور ایران متمایز می‌دارد اینکه قانون انگلستان تمامی دخالت‌کنندگان در جرم اعم از مباشر یا شریک یا معاون مستحق مجازات مشابه دانسته و به مانند قانون ایران تفکیک نشد و به همین جهت در نظام حقوقی انگلستان دادستان مکلف نیست که اثبات نماید متهم به عنوان مجرم اصلی است یا طرف ثانویه زیرا در هر صورت به صرف دخالت وی در جرم به هر شیوه‌ای مجازات قانونی یکسانی در نظر گرفته شده است و از این منظر تدقیق در روش شیوه ارتکاب جرم از جمله فاعل معنوی چندان اهمیتی نداشته زیرا در این نظام به نکته مهم‌تری توجه شده که با تکیه بر دو اصل خطرپذیری و سرزنش‌پذیری رفتار میزان مجازات و کیفر را تعیین و حسب مورد می‌تواند از مکانیسم‌ها و کیفیت مخففه یا مشدده تلقی گردد و با این رویکرد جهاتی که در قوانین ایران تحت عنوان فاعل معنوی ذکر شده جملگی در حقوق انگلستان به عنوان طراح و مغز متفکر جرم از زمره موارد تشدید مجازات دانسته شده است و از طرف دیگر مقررات میزان مجازات و تشدید و تخفیف کیفر به عنوان یک قاعده و اصل کلی در تمام جرائم و با الهام از دو اصل خطرپذیری و سرزنش‌پذیر بودن رفتار، واحد و یکسان در نظر گرفته شده و به صورت خاص در قانون مواد مخدر خود مورد امعان نظر قرار داده نشده است و آنچه که از مجموع مقررات انگلستان در باب مواد مخدر استنباط می‌شود اینکه این قانون صرفاً به رفتارهای مجرمانه و میزان مجازات تصریح داشته و از حیث شیوه ارتکاب جرم و تعیین کیفر و مکانیسم‌های ارفاقی یا تشدید یا تخفیف از یک مقررات عام بدون رویکرد افتراقی تبعیت نموده است و از سوی دیگر از اختصاصی شدن دادگاه‌های کیفری جهت رسیدگی به جرایم مواد مخدر عدول نموده و صرفاً بر اساس میزان مجازات در دادگاه‌های کیفری به مانند دیگر جرایم رسیدگی می‌شود و نکته دیگر آنکه بر خلاف مقررات ایران که بعضاً رفتارهایی را از نوع فاعل

معنوی در حد افساط فی الارض مستحق مجازات اعدام می‌داند لکن در نظام انگلستان با حذف مجازات اعدام در سیستم قضایی مواجه هستیم و از این حیث خود را با مقررات و عهدنامه‌های بین‌المللی موازنه و مطابق ساخته است. بنابراین سیاست کیفری ایران و انگلستان در ارتباط با فاعل معنوی هرچند به صراحت از اصطلاح فاعل معنوی استعمال نشده و از حیث صلاحیت و اختصاصی کردن دادگاه‌های رسیدگی کننده و میزان مجازات و نوع مجازات تشابه و تمایزی به شرح معنونه وجود دارد و از حیث اقدامات پیشگیرانه تاکید هر دو نظام بر توسل به مکانیسم‌های کیفری است و واکنش‌های غیر کیفری نیز به صورت موردی و ناکارآمد بعضاً مشاهده می‌شود که عمدتاً نیز از رسالت دستگاه‌های قضایی خارج نموده‌اند اما ملاحظه می‌گردد که از مجموع مقررات قانون مواد مخدر ایران جلوه‌هایی از مصادیق فاعل معنوی مشاهده می‌گردد که از منظر این قانون مفهوم فاعل معنوی فراتر از تعاریفی است که برخی از نویسندگان حقوق کیفری به معنی اخص در آثار خود به رشته تحریر درآورده‌اند و در حقیقت فاعل معنوی حسب مورد می‌تواند همان بازوی اجرایی و مغز اندیشه خلق و تحقق جرم باشد و بدون دخالت در رکن مادی، جرم را از طریق اشخاص فاقد سوء نیت و یا با سوء استفاده از ضعف نفس و عدم آگاهی و یا اقتدار بر دیگران با توسل به توان مالی یا موقعیت برتر فیزیکی و اجتماعی و مدیریتی محقق سازد و با این توصیف از منظر سیاست کیفری در قانون مواد مخدر، فاعل اصلی جرم می‌تواند حسب مورد شخص دارای مسوولیت کیفری یا فاقد آن باشد و حداقل آنکه قانون مواد مخدر ایران از این رویکرد پیروی شده است و آنچه که این سیاست قانونگذاری را از نظام حقوقی انگلستان متمایز می‌سازد این است که در نظام حقوقی ایران مرجع تشخیص این خطر پذیری و سرزنش پذیری رفتار توسط قانونگذار احصا و با تعیین مجازاتی خاص و مستقل اجرای آن را به قاضی رسیدگی کننده اعلام کرده است اما در نظام حقوقی انگلستان در حقیقت مجازات هر رفتار و شیوه ارتكابی جرم به شخص قاضی صادر کننده رای واگذار شده تا با بررسی موردی و همه جانبه رفتار و تطبیق آن با شدت عمل و میزان صدمه ناشی از جرم و آثار زیانبار و میزان سرزنش پذیری، میزان مجازات را تا سقف حداکثر قانونی مشخص کند و به همین دلیل بر خلاف نظام حقوقی ایران، مجازات فاعل اصلی و معاون و فاعل معنوی را به یک میزان مشخص کرده‌اند و این قاضی است که با بررسی موردی رفتار تشخیص می‌دهد برای هر مداخله کننده‌ای در جرم چه میزان از مجازات را تعیین کند و با همین رویکرد است که در نظام قانونگذاری انگلستان دادستان صرفاً اثبات می‌کند که هر فردی در تحقق این جرم نقش داشته و احراز شیوه ارتكاب جرم از جمله اینکه مباشر است یا معاون یا شریک چندان اهمیتی ندارد و ملاک، شدت آثار زیانبار رفتار و صدمه به قربانی جرم و میزان خطر پذیری و سرزنش پذیری رفتار

است که در تعیین مجازات تاثیر دارد و چه بسا معاون جرم می تواند مجازاتی بیش از فاعل اصلی جرم کسب کند؛ از طرف دیگر در قانون مواد مخدر ایران با یک رویکرد کاملاً افتراقی، گاهی از قواعد حقوق جزای عمومی خروج نموده و به یک شیوه‌هایی خاص از فاعل معنوی در یک مفهوم موسع پیروی کرده است. در ادامه با غور در سیاست کیفری و قانونگذاری ایران در مبحث مواد مخدر به نوعی با سیاست طرد کننده و سرکوبگراییانه مواجهه هستیم که با رویکرد سیاست جنایی کنترل جرم در واقع از سیاست عدالت محور خارج شده و با اتخاذ مجازات‌های سنگین اعدام و شلاق همواره بر خلاف منشور و اسناد بین‌المللی و حقوق بشری گام برداشته و علی‌رغم فشارهای بین‌المللی حاضر به عقب نشینی مطلق از آن نبوده که ادامه این روند نه تنها جنبه بازدارندگی نداشته بلکه مشکلاتی را در مراحل پسا کیفری از جمله افزایش جمعیت کیفری زندان و آسیب‌های جدی ناشی از آن و بی سرپرستی خانواده‌ها و مشکلات ناشی از آن و خفه شدن نقطه امید به اصلاح و بازگشت به اجتماع و در مجموع عدم رعایت اهداف مجازات‌ها را در پی داشته است اما در نظام انگلستان از این جهت اعمال کیفرهای سنگین را صرفاً به صورت موردی و با لغو مجازات اعدام و شلاق خود را مقید به اسناد بین‌المللی دانسته است و نوعی توازن در میزان مجازات با رفتارهای مجرمانه در قوانین مواد مخدر خود لحاظ نموده است و با این توصیف اصل استقلال قاضی در تعیین کیفر بیشتر ملموس بوده در حالی که در قانون مواد مخدر ایران بعضاً کیفرهای الزامی در قانون به چشم می‌خورد و با اعمال مجازات‌های سنگین در ارتباط با فاعل معنوی در مصداق‌های مصرحه در قانون آنچه که روشن است اینکه این قانون بیش از توجه به اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی به اقدامات سرکوبگراییانه و طرد کننده و رسوا کننده توجه داشته و رویکردهای پیشگیرانه جزئی که در این قانون به چشم می‌خورد صرفاً ناظر بر مراحل کشف جرم و یا اصلاح و درمان نمادین و صوری است به نحوی که عملاً کاربردی نداشته و یا اینکه به دلیل فقد یا ضعیف بودن امکانات عملاً قابلیت اجرایی و سودمندی را ندارد و در مجموع اصول کلی و پایه ای در حقوق کیفری از قبیل اصل سودمندی کیفر و اصل تفرید مجازات و اصل استقلال قضایی و عدالت محوری توسط این قانون رعایت و مورد توجه قرار نگرفته و بعضاً یا یک اندیشه امنیت گرایی تصویب شده است.

## منابع

- احمدیان راد، رضا، ۱۳۹۰، نگاهی به انواع سیاست جنایی، نشریه رسالت، شماره ۷۴۶۹
- اسپرک، جان، ۱۳۹۰، چگونگی تعیین مجازات در دادگاه‌های انگلستان، ترجمه حجت سبزواری نژاد، تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵
- آشوری، محمد، ۱۳۷۹، نتیجه گیری کلی همایش بین المللی علمی-کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات، جلد اول، نشریه روزنامه رسمی کشور
- پاکنهاد، امیر، ۱۳۹۴، سیاست جنایی ریسک مدار، چاپ دوم، تابستان، نشر میزان، تهران
- رحمدل، منصور، ۱۳۸۶، تحولات سیاست جنایی تقنین و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱
- ساک، محمد رضا و کونانی، سلمان (۱۳۹۸) باید ها و نیاید های حذف مجازات اعدام از جرایم مواد مخدر، نشریه دیدگاه های حقوق قضایی، پاییز، شماره ۹۷
- سبزواری نژاد، حجت، ۱۳۹۶، جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان. دو فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی شماره های ۷۷ و ۷۸. بهار و تابستان.
- شیری، عباس، ۱۳۹۷، سیاست گذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان، نشریه سیاستگذاری عمومی، دوره چهارم، شماره ۱
- صادقی، آزاده و دیگران، ۱۳۹۶، پیامدهای تعیین کیفر در جرایم مواد مخدر بر پایه کمیت مواد در نظام تقنینی ایران و ایالات متحده آمریکا، نشریه پژوهش های حقوق تطبیقی، بهار، دوره بیست و یکم، شماره ۱
- علوی، سید حسن، ۱۴۰۰، پیشگیری وضعی در سیاست جنایی اسلام
- غلامی رزینی، محسن و خسروشاهی، قدرت الله و پور بافرانی، حسن، ۱۴۰۰، سیاست جنایی تقنینی و اجرایی ایران در مقابله با جرم سازمان یافته قاچاق مواد مخدر از مرزهای ج.ا.ایران، علوم و فنون مرزی، زمستان، ش ۳۹
- قاسمی، ناصر، ۱۳۹۷، نقد کتاب سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، مرداد، شماره ۵۷
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۷، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهام انتشارات چاپ اول
- گودرزی، محمد رضا، ۱۳۸۲، نقدی بر سیاست جنایی دولت در مبارزه با مواد مخدر، اصلاح و تربیت، آذر، شماره ۲۱
- لازرژ، کریستین، ۱۳۹۶، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ ششم. تابستان، ویراست چهارم

- هارتی، میری دلماس، ۱۳۹۸، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی چاپ چهارم پاییز، نشر میزان
- مهدوی، سحر و جزایری، سید عباس، ۱۴۰۰، مداخله منفی در ادله اثباتی جرم مواد مخدر در ایران، نشریه مطالعات علوم راهبردی علوم انسانی و اسلامی، زمستان، شماره ۴۰
- میر، غلامحسین و احمدزاده، ابوالفضل، ۱۳۹۹، بررسی مجازات و کیفر جرم نگهداری مواد مخدر، همایش پژوهش های دینی، علوم اسلامی فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام
- میرمحمد صادقی، حسین و صابری، راضیه، ۱۳۹۹، تقارن بین عناصرمادی و معنوی جرم، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ اول، تهران.
- نجفی ابرندآبادی، علی، ۱۳۸۶، جرم شناسی، تهران، نشر آموزش و سنجش، چاپ سوم
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۹، تاریخ تحولات حقوق کیفری، تقریرات مباحثی در علوم جنایی، سال تحصیلی ۷۸-۷۹ مقطع کارشناسی ارشد
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، ۱۳۷۷، دانشنامه جرم شناسی، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی
- نوبهار، رحیم؛ تقی زاده، مریم السادات، ۱۳۹۸، درآمدی بر ارزیابی سیاست جنایی، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی، کتاب چهارم)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- نوبهار، رحیم، ۱۳۸۷، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، انتشارات جنگل، چاپ اول
- وروایی، اکبر و حریری، مهدی، ۱۳۹۴، آیین دادرسی جرایم مواد مخدر، نشریه سلامت اجتماعی و اعتیاد، تابستان، شماره ۶
- یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۹۱، چرایی و چگونگی مجازات، نشر پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول
- Albert W. (2017), *Judicial system in 1890* London: mcmillan
- bronn Natasha(2012) "Unlucky Enough to Be Innocent: Fate of the Modern Drug Mule under Burden-Shifting and the the 18 USC Sec. 3553 (f) Statutory Safety Valve." *Colum. JL & Soc. Probs.* 46
- caulkins Caulkins, Jonathan P., Peter H. Reuter, Martin Y. Iguchi, and James Chiesa. (2005)"How Goes the "War on Drugs"?"
- Honold, Dan(2014) Quantity, "role and culpability in the guidelines", *Harvard Journal on federal sentencing Legislation*

- James S. H. (2016), *Drugs criminal law in UK*, first edition, London
- Jeferson M. (2006), *Drug Abuse and legal system in american NY*; Willain publishers law, first edition,
- Mcmore H. (2011), *Narcotic Criminal law and New university of chicago press problemes*, second edition,
- Samoel F. (2013), *Criminal law and Drugs abuse in england* second editioon, London legal system,
- Von Hirsch Andrew. (1996) "Extending the Harm Principle: Remote Harms and Fair Imputation."
- Von Hirsch, Andrew (1992) "Proportionality in the Philosophy Crime & Just. 16. of Punishment."
- werb Daniel, Thomas Kerr, Kathy Li, Julio Montaner, and "Risks surrounding drug trade Evan Wood (2008) The American involvement among street-involved youth." journal of drug and alcohol abuse 34, no. 6